تخصیص کالابرگ ماهانه می‌شود؟

سرویس اقتصادی –دولت در تازه‌ترین تصمیم خود به‌دنبال ماهانه کردن تخصیص کالابرگ است؛ اقدامی که به گفته کارشناسان، می‌تواند نظم بیشتری به سیاست‌های حمایتی بدهد. در این میان، سه سناریو برای تأمین منابع مالی این برنامه رفاهی مطرح شده که هرکدام پیامدهای متفاوتی دارد.

دولت در تازه‌ترین وعده خود اعلام کرده است که از این پس هر ماه به هفت دهک جامعه کالابرگ الکترونیک اختصاص می‌دهد؛ اقدامی که به گفته رئیس‌جمهور با هدف «افزایش رفاه اجتماعی و کاهش هزینه‌های معیشت مردم» انجام می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد منابع مالی لازم برای تداوم این سیاست هنوز مشخص نیست و پرسش اساسی اینجاست که دولت چگونه می‌خواهد هر ماه بیش از ۲۷ هزار میلیارد تومان اعتبار برای کالابرگ اختصاص دهد.

وعده ماهانه شدن کالابرگ از سوی رئیس جمهور

روز گذشته در دیدار مسئولان دولت با رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور از برنامه دولت برای تثبیت پرداخت کالابرگ خبر داد و گفت: «مصمم هستیم هر ماه به مردم کالابرگ داده شود.» به گفته او، این سازوکار قرار است هزینه‌های معیشتی اقشار آسیب‌پذیر را کاهش دهد و به بهبود رفاه اجتماعی منجر شود.

تا امروز سه مرحله کالابرگ به هفت دهک جامعه پرداخت شده و برای شهریورماه نیز اعتبار ۲۷ هزار میلیارد تومانی از سوی سازمان برنامه و بودجه تخصیص یافته تا مرحله چهارم انجام شود. این روند، اگر ماهانه تثبیت شود، به معنای تخصیص بیش از ۳۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار سالانه است؛ رقمی معادل تقریباً معادل نصف بودجه عمرانی کشور.

فشار بر منابع بودجه‌ای

هم‌اکنون دولت برای ۹ دهک جامعه ماهانه حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی پرداخت می‌کند. از این منظر، یکی از سناریوهای مطرح این است که فلسفه اولیه کالابرگ اجرا شود و منابع یارانه نقدی به جای پرداخت مستقیم، برای خرید کالاهای اساسی با قیمت ثابت تخصیص یابد. این سناریو از نظر مالی منطقی به نظر می‌رسد، زیرا حجم یارانه نقدی تقریباً با هزینه هر مرحله کالابرگ برابری دارد.

اما تاکنون دولت چنین تصمیمی نگرفته و در عمل یارانه نقدی و کالابرگ به صورت همزمان پرداخت می‌شود. نتیجه آنکه بار مالی مضاعفی بر دوش بودجه عمومی گذاشته شده بدون اینکه منابع پایداری برای آن تعریف شود.

منابع جایگزین؛ واقعیت یا توهم؟

در ماه‌های گذشته، سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده بود که یکی از محل‌های تأمین مالی کالابرگ، درآمد حاصل از حقوق و عوارض ورودی خودروهای ایرانیان خارج از کشور است. حتی ابلاغیه این موضوع نیز صادر شد.

با این حال، برآوردها نشان می‌دهد کل وصولی دولت از محل واردات خودرو در سال جاری کمتر از ۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود؛ رقمی بسیار پایین‌تر از نیاز واقعی طرح.

به عبارت دیگر، اتکای صرف به چنین منابعی نمی‌تواند بار مالی بیش از ۲۷ هزار میلیارد تومانی هر ماه را پوشش دهد. این شکاف جدی میان وعده دولت و ظرفیت درآمدی، باعث شده کارشناسان نسبت به پایداری این سیاست هشدار دهند.

فلسفه اولیه کالابرگ؛ ثبات قیمت یا یارانه مضاعف؟

باید یادآوری کرد که فلسفه اولیه کالابرگ در سال ۱۴۰۱ زمانی شکل گرفت که دولت و مجلس تصمیم به حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی گرفتند. هدف از این طرح آن بود که به جای پرداخت یارانه به واردکنندگان کالا، منابع در اختیار مردم قرار گیرد تا قیمت حداقل ۱۰ قلم کالای اساسی برای خانوارها ثابت بماند.

اما آنچه امروز به‌عنوان «کالابرگ دولت» شناخته می‌شود، عملاً هیچ شباهتی به آن فلسفه ندارد. مردم به‌جای خرید کالا با قیمت ثابت، تنها اعتبار ریالی جدیدی دریافت می‌کنند که باید با قیمت روز کالا مصرف شود.

این یعنی کالابرگ دولت چیزی جز «یارانه مضاعف» نیست و اثر چندانی در تثبیت معیشت و مهار تورم ندارد.

مجلس چه می‌گوید؟

مجلس شورای اسلامی بارها نسبت به این انحراف از فلسفه اصلی هشدار داده است. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، روز گذشته بار دیگر تأکید کرد: «راه‌حل روی زمین و مورد تأکید رئیس‌جمهور هم هست، اجرای کالابرگ به شیوه‌ای که قیمت کالا برای مصرف‌کننده در طول سال ثابت بماند.»

در همین راستا، بند ت تبصره ۱۳ قانون بودجه ۱۴۰۴ نیز به‌صراحت دولت را مکلف کرده که امکان تبدیل یارانه نقدی به کالابرگ را برای متقاضیان فراهم کند. این حکم قانونی نشان می‌دهد اراده مجلس همچنان بر اجرای همان فلسفه اولیه است؛ نه پرداخت یارانه جدید در پوشش کالابرگ.

اگر دولت بخواهد وعده خود برای پرداخت ماهانه کالابرگ را عملیاتی کند، دست‌کم به ۳۲۰ هزار میلیارد تومان اعتبار سالانه نیاز دارد. این در شرایطی است که بودجه عمومی کشور با کسری ساختاری مواجه است و منابع پایدار تعریف‌شده برای این سیاست به‌وضوح کافی نیست.

کارشناسان سه سناریوی اصلی پیش روی دولت را مطرح می‌کنند:

ادامه مدل فعلی؛ پرداخت همزمان یارانه نقدی و کالابرگ ریالی، با هزینه مضاعف و کسری بودجه بیشتر.

جایگزینی کامل یارانه نقدی با کالابرگ واقعی؛ یعنی بازگشت به فلسفه اصلی و تثبیت قیمت حداقل ۱۰ قلم کالای اساسی.

ترکیبی از دو مدل؛ پرداخت بخشی به صورت نقدی و بخشی به صورت کالابرگ، با تمرکز بر دهک‌های پایین‌تر.

در چارچوب مدل ترکیبی پرداخت یارانه نقدی و کالابرگ، دولت این امکان را دارد که علاوه بر مدیریت بهتر معیشت خانوار، بر روی آزادسازی منابع ناشی از حذف دهک‌های هشتم و نهم نیز برنامه‌ریزی کند.

برآوردها نشان می‌دهد که از این محل، ماهانه حدود ۵ هزار میلیارد تومان منابع مالی در دسترس قرار خواهد گرفت؛ منابعی که می‌تواند برای تقویت اجرای کالابرگ الکترونیک، افزایش پوشش دهک‌های پایین‌تر و حتی حمایت از سیاست‌های مکمل رفاهی به‌کار گرفته شود.

دولت وعده داده است که کالابرگ الکترونیکی را به صورت ماهانه در اختیار هفت دهک قرار دهد، اما هنوز پاسخ روشنی به پرسش اساسی «منابع مالی این طرح از کجا تأمین خواهد شد؟» نداده است.

در حالی‌که منابع فعلی کفاف پرداخت یک یا دو مرحله را بیشتر نمی‌دهد، اصرار بر ادامه این روند بدون اصلاح ساختار می‌تواند بار مالی سنگینی بر بودجه کشور تحمیل کند.

بازگشت به فلسفه اولیه کالابرگ و اجرای احکام تبصره ۱۳ بودجه ۱۴۰۴ شاید تنها راهی باشد که هم از کسری بودجه جلوگیری کند و هم امنیت غذایی اقشار ضعیف را واقعاً تضمین نماید.

در غیر این صورت، وعده کالابرگ ماهانه بیش از آنکه به رفاه اجتماعی بینجامد، به یک مشمل مالی تازه برای دولت و اقتصاد ایران تبدیل خواهد شد.

پیش فروش سکه با دلار چند هزار تومانی است؟

سیاست فرزین، بنزین روی آتش بازار طلاست!

بانک مرکزی در حالی دوباره پیش‌فروش یک میلیون سکه را کلید زده که رهبر انقلاب پیش‌تر نسبت به هدایت سرمایه‌ها به بازار طلا هشدار داده بودند؛ سیاستی که حالا به گفته صمصامی نماینده مجلس، به‌جای حمایت از تولید، سفته‌بازی را تقویت کرده و حتی با قانون برنامه هفتم در تضاد است.

سرویس اقتصادی –پس از آنکه بانک مرکزی سال گذشته سه مرحله پیش‌فروش سکه برگزار کرد، حالا در روزهای پایانی تابستان دوباره به سراغ همان سیاست رفته است؛ سیاستی که در ابتدای سال با تذکر رهبر انقلاب نیز روبه‌رو شد. ایشان صریحاً تأکید کرده بودند که سرمایه‌ها باید به سمت تولید برود نه بازار طلا.

طبق اعلام رسمی بانک مرکزی و مرکز مبادله، در تاریخ ۱۷ شهریور چهارمین مرحله پیش‌فروش یک میلیون سکه آغاز می‌شود.

در این طرح هر کد ملی می‌تواند ۱۵ قطعه سکه به قیمت قطعی خریداری کند و تحویل آن به پایان پاییز موکول خواهد شد. قیمت‌های تعیین‌شده نیز چندان بی‌ارتباط با بازار آزاد نیست و سکه تمام ۸۳ میلیون و ۲۲۲ هزار تومان، نیم‌سکه ٤٤ میلیون و ۱۱۹ هزار تومان و ربع‌سکه ۲۵ میلیون و ۷۷۵ هزار تومان قیمت گذاری شده است.

به این ترتیب هر فرد در صورت استفاده کامل از سهمیه خود (هر کد ملی ۱۵ قطعه سکه) باید بیش از ٦٥٠ میلیون تومان نقدینگی را در حساب بانکی نگه دارد.

تایید نرخ ارز قاچاق توسط بانک مرکزی؟

بانک مرکزی در حالی این نرخ‌ها را تعیین کرده که محاسبات آن دقیقاً بر اساس همان نرخ قاچاق ارز یعنی بازار آزاد انجام شده است؛ نرخی که رئیس کل بانک مرکزی در سخنانش آن را غیررسمی و نادرست و غیرواقعی می‌داند اما هنگام قیمت‌گذاری، خود به آن استناد می‌کند.

نتیجه چنین سیاستی، فروش سکه با حباب چند میلیونی به مردم و تشویق آنان به ورود به بازار طلاست؛ بازاری که نه تنها سودی برای تولید و اشتغال ندارد، بلکه سفته‌بازی را در اقتصاد تقویت می‌کند.

ثبت سفارش!

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد: بر اساس محاسبات، سکه‌های پیش‌فروشی بانک مرکزی با دلار ۹۷ هزار تومانی قیمت‌گذاری شده‌اند. این سیاست کاملاً غلط است، به‌ویژه در سالی که باید سرمایه‌ها به سمت تولید هدایت شوند.

خرید سکه یک سرمایه‌گذاری غیرمولد است و ما عملاً منابع مردم را به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهیم. با این کار، جذابیت سفته‌بازی روزبه‌روز بیشتر می‌شود و نتیجه آن کاهش سرمایه‌گذاری مولد و رشد اقتصادی منفی خواهد بود.

سیاست بانک مرکزی، ضد تولید است

نماینده مردم تهران در مجلس افزود: بانک مرکزی به جای استفاده از ابزارهای پولی برای رونق تولید، به سیاستی روی آورده که رکود اقتصادی را تشدید می‌کند. این اقدام کاملاً بر خلاف شعار سال، ضد تولید و ضد اشتغال است.

به گفته استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی از همه مهم‌تر اینکه چنین سیاستی از سوی بانک مرکزی برای پیش فروش سکه، هیچ تأثیر واقعی بر بازار سکه ندارد و فقط عطش خرید طلا و سکه بیشتر می‌کند، مثل ریختن بنزین روی آتش است. بانک مرکزی با دست خود مردم را به سمت بازارهای غیرمولد سوق می‌دهد و عملاً در تضاد با بیانات رهبر انقلاب و حتی قانون برنامه هفتم توسعه حرکت می‌کند.

معاون بانک مرکزی تشریح کرد:

نرخ ارز چه تاثیری در تراز تجاری کشور دارد

سرویس سیاسی –معاون بانک مرکزی گفت: درصورت تک نرخی شدن ارز، صادرات از افزایش ناشی از تک نرخی شدن ارز متاثر نمی‌شود اما تولید و واردات، وابسته به نرخ ارز است؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت با افزایش نرخ ارز، تراز تجاری کشور بالا برود.

محمد شیریجیان در نشست چالش‌ها و چشم‌انداز اقتصاد ایران و سیاست‌های ارزی در شرایط نااطمینانی در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی با اشاره به برنامه‌های بانک مرکزی در رابطه با احتمال بازگشت تحریم‌ها و موضوع مدیریت نرخ ارز در شرایط فعلی اقتصادی گفت: نکته‌ای که در رابطه بازار ارز مهم است و با اقتصاد در ارتباط است این است که تصور می‌شود که به هر میزان ارزش پول ملی تقویت شود تراز تجاری کشور نیز مثبت خواهد بود. با این حال عمدتا صادرات کشور از جنس مواد اولیه و خام است و حتی در حوزه صادرات غیر نفتی نیز از جنس محصولات خام است به عبارتی فراوری لازم و ارزش افزوده به صورت مطلوب در صادرات وجود ندارد و غالب صادرات ایران از جنس موا. خاک است و متاثر از نرخ ارز نیست به عبارت دیگر اگر ارزش پول ملی تقویت شود اثر بالایی در ارزش صادرات ما ندارد. وی افزود: کشش پذیری صادرات کشور در حوزه ارز، کشش پذیری بالایی نیست و در طرف دیگر تولید و واردات کشور وابسته به نرخ ارز است و زمانی که ترکیب واردات بررسی می‌شود حاکی از آن است که نزدیک به ۹۰ درصد کالاهای واسطه‌ای است و اگر نرخ ارز در این شرایط افزایش پیدا کند بر نرخ بازار و تولیدات اثر می‌گذارد. معاون سیاستگذاری‌های پولی بانک مرکزی خاطر نشان کرد: بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که با افزایش نرخ ارز، تراز تجاری کشور بالا برود. شیریجیان گفت: مطالعات نشان می‌دهد که نرخ ارز به لنگر انتظارات تورمی در کشور بدل شده و با افزایش نرخ ارز رفتار اقتصادی مردم نسبت به دارایی‌های اقتصادی هیجانی و همچنین هزینه تمام شده تولیدکنندگان اثر می‌گذارد و می‌توان گفت که نرخ ارز در کوتاه مدت نیز اثر معنی‌داری بر تورم تولیدکننده و تورم مصرف کننده بر جای می‌گذارد. وی تصریح کرد: متاسفانه چه در حوزه منابع ریالی و چه در حوزه منابع ارزی، یک نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد وجود ندارد و یکی از مسائل مهم در حوزه ارزی این است که باید اولویت بندی اقتصادی مشخص شود تا منابع ارزی به خوبی تخصیص پیدا کند. در سال ۹۸ کل تامین ارز حدود ۳۹ میلیارد دلار بود که در سال ۱۴۰۳ به ٦٥ میلیارد دلار رسید و در بخش صنعت از ۲۸ میلیارد دلار به ۴۳ میلیارد دلار رسید. اساسا استراتژی توسعه‌ای کشور مشخص نیست که منابع ریالی و ارزی باید به چه اولویت‌هایی تخصیص پیدا کند و این در حالی است که واردات رشد کرده اما به ارزش افزوده منجر نشده است. شیریجیان در پایان گفت: سیاست‌های تجاری و ارزی باید مشخص شود. در سال ۱۴۰۱ تقریبا حجم قاچاق خروجی ۱۰ میلیارد دلار و حجم واردات قاچاق حدود ۱٦ میلیارد دلار بود. به عبارتی از آنجایی که تامین ارزی همه محصولات از مسیر رسمی صورت نمی‌گیرد از کانال بازار آزاد تامین ارزی محصولات قاچاق صورت می‌گیرد و همچنین به واسطه تحریم‌ها و عدم شفافیت ارزی در بازار ارز نمی‌توان انتظار داشت که شرایط اقتصادی به سمت تک نرخی شدن ارز در حرکت باشد.

وزیر سیمانی در خواب؟

گرانی سیمان نتیجه کمبود و قطعی آب و برق

سرویس سیاسی –درحالی که صنایع وابسته به تولید سیمان با کمبود برق و آب دست به گریبان هستند و تولیدات داخلی سیمان به زحمت به مصرف داخل می‌رسد دستور صادرات آن به تازگی از سوی گمرک صادر شده است که مشکلات زیادی را به وجود می‌آورد. براساس اعلام گمرک از ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۴ صادرات سیمان و کلینکر صرفاً با ارائه گواهی معامله در رینگ صادراتی بورس کالا امکان‌پذیر شده است؛ این درحالی است که محدود کردن صادرات سیمان و کلینکر به رینگ صادراتی بورس کالا تولیدکنندگان و صادرکنندگان را با چالش های زیادی مواجه می کند. صادرات سیمان درشرایطی آزاد شده است که کشور با بحران آب و برق دست و پنجه نرم می کند و تولیداتی مانند سیمان که فرآیندی بسیار انرژی‌بر است و مقادیر زیادی آب، برق و گاز مصرف می‌کند، نیاز به مدیریت مصرف برای تامین نیازهای داخل دارد؛ نه آنکه بدون برنامه ریزی و صرفا برای کسب سود اقتصادی صادرات آن مجاز شود. در تابستان امسال که صنایع تولیدی سیمان با انواعی از مشکلات ازجمله قطعی برق مداوم و آب مواجه بودند و تولیدات این صنایع به طرز چشمگیری کاهش داشت و حتی بسیاری از کارخانه های سیمانی مجبور به تعطیلی شدند که درچنین شرایطی که میزان تولید داخلی سیمان حتی جوابگوی نیاز داخل نیست مشخص نیست که گمرک با چه استدلالی صادرات را آزاد کرده است.

پشت پرده آزاد شدن صادرات سیمان چه می گذرد؟

بدیهی است دستورالعمل گمرک، به طورغیرمستقیم برقیمت تمام شده مسکن و سایر پروژه های عمرانی هم تاثیرگذار است؛ چراکه سیمان یکی از مواد اصلی در ساخت و ساز است و کمبود یا کاهش عرضه در بازار داخلی مستقیما قیمت مسکن را بالا می برد.

تولیدکننده به دنبال سودش است اما وای به حال مردم...

البته برخی مسئولان دولتی با دلایلی چون افزایش درآمدهای ارزی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی تلاش دارند تا این مساله را توجیه کنند چراکه قیمت‌های صادراتی سیمان و کلینکر در بازارهای جهانی سود بیشتری برای تولیدکنندگان به همراه دارد، اما باید توجه شود که بین صادرات و تأمین نیازهای داخلی تعادل برقرار شود تا تا کشور از پیامدهای منفی آن در امان بماند. محدود کردن صادرات سیمان و کلینکر به رینگ صادراتی بورس کالا، علاوه برآنکه فرآیند صادرات را پیچیده‌تر و طولانی‌تر می کند، بلکه انعطاف‌پذیری صادرکنندگان دربرابر نوسانات بازار جهانی را کم کرده که درنهایت باعث می شود تا مشتریان خارجی از دست روند، ضمن اینکه کارمزدها و سایر هزینه‌های جانبی به صادرکنندگان تحمیل می کند. حتی احتمال اینکه تولیدکنندگان و صادرکنندگان برای تأمین مالی خرید از بورس کالا با مشکلاتی مانند اختلال در فرآیند تولید و صادرات مواجه شوند که منجر به کند شدن یا حتی توقف فرآیند صادرات شود زیاد است که این مساله می تواند مشکلات لجستیکی و انبارداری برای تولیدکنندگان به بار آورد. هرگونه سیاست‌گذاری برای محدود کردن صادرات سیمان باید با دقت و با در نظر گرفتن تمام جوانب انجام شود؛ چراکه عدم مدیریت صحیح صادرات به کمبود و افزایش قیمت سیمان در بازار داخلی و در نتیجه، گرانی مسکن منجر می شود. به همین جهت سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که هم نیازهای داخلی را تأمین کند و هم از مزایای اقتصادی صادرات بهره‌مند شود. به نظر می رسد وزیر صمت که خود از فعالان صنعت سیمان بوده است نتوانسته است این صنعت را مدیریت کند.

ثبت سفارش؛ مسیری پر پیچ و خم برای واردکنندگان!

سرویس اقتصادی –فرایند ثبت سفارش کالا در کشور بسیار طولانی و زمان‌بر شده است و گاهی ماه‌ها طول می‌کشد، موضوعی که موجب بروز مشکلات عدیده‌ای برای تجار و بازرگانان شده است.

ثبت سفارش در اقتصاد ایران به عنوان نقطه آغاز واردات کالا، نقشی تعیین‌کننده دارد. بدون این مرحله، هیچ کالایی امکان ورود رسمی به کشور را ندارد و تمام فرآیندهای بعدی از تخصیص ارز تا صدور مجوز ترخیص بر پایه آن شکل می‌گیرد. این روزها فرایند ثبت سفارش کالا در کشور بسیار طولانی و زمان‌بر شده است و گاهی ماه‌ها طول می‌کشد، موضوعی که موجب بروز مشکلات عدیده‌ای برای تجار و بازرگانان شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ترکیبی از گره‌های ارزی، ناهماهنگی نهادی، تکثر مجوزها، تغییرات مکرر مقررات و کاستی‌های سامانه‌ای، زمان ثبت سفارش را طولانی کرده است و در سال‌های اخیر، آنچه قرار بود ابزاری برای سامان‌دهی تجارت باشد، به یکی از گره‌های اصلی بازرگانی خارجی تبدیل شده است. اظهارنظر مسئولان و کارشناسان نشان می‌دهد که طولانی شدن این فرآیند ناشی از مجموعه‌ای از عوامل مقرراتی، نهادی و فنی شامل ترکیبی از گره‌های ارزی، ناهماهنگی نهادی، تکثر مجوزها، تغییرات مکرر مقررات و کاستی‌های سامانه‌ای است.

وعده تسهیل با سامانه جامع تجارت

سامانه جامع تجارت به‌عنوان «پنجره واحد» معرفی شد تا تمام مراحل ثبت سفارش در بستر واحدی انجام شود؛ اما تجربه بازرگانان خلاف این وعده را نشان می‌دهد. کُندی در بارگذاری اطلاعات، اشکال در ویرایش و اصلاح، قطعی‌های مکرر و نبود هماهنگی کامل با سامانه‌های موازی مانند گمرک و بانک مرکزی موجب شده که ثبت سفارش به فرآیندی پرچالش بدل شود.

فعالان اقتصادی بارها گفته‌اند که حتی تغییر جزئی در اطلاعات واردشده، مانند اصلاح تعرفه یا تغییر تأمین‌کننده، نیازمند تکرار بخشی از روند است؛ فرآیندی که زمان و هزینه مضاعفی را تحمیل می‌کند.

بانک مرکزی و گره تخصیص ارز

از دیگر موانع جدی، نقش بانک مرکزی در تأیید و تخصیص ارز است. مقررات به‌گونه‌ای است که بسیاری از ثبت سفارش‌ها بدون تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی عملاً متوقف می‌شوند. مقامات گمرکی نیز اذعان دارند که عدم امکان اظهار کالا برای ثبت سفارش‌هایی که بانک مرکزی ارز آنها را تأمین نکرده است؛ یکی از عوامل اصلی طولانی‌شدن روند است. این موضوع بارها در رسانه‌ها بازتاب یافته و بازرگانان در رسانه‌ها شبکه‌های اجتماعی آن را «قفل ارزی» نامگذاری کرده‌اند که تمام برنامه‌ریزی واردکننده را مختل می‌کند.

الزام‌ها و مقررات متغیر

یکی دیگر از عوامل طولانی شدن ثبت سفارش، تعدد مقررات و تغییرات مداوم آنهاست. به طور مثال، تغییرات در مأخذ و مبنای محاسبه حقوق ورودی یا مالیات بر ارزش افزوده به معنای نیاز به اصلاح اطلاعات در ثبت سفارش است؛ اصلاحی که در سامانه جامع تجارت به سادگی انجام نمی‌شود و هفته‌ها به طول می‌انجامد.

بی‌ثباتی مقرراتی ریسک تجارت را بالا می‌برد

کارشناسان معتقدند؛ این بی‌ثباتی مقرراتی ریسک تجارت را بالا می‌برد و موجب می‌شود واردکنندگان در شرایطی غیرقابل پیش‌بینی فعالیت کنند.

ثبت سفارش تنها با ورود اطلاعات در سامانه پایان نمی‌یابد. واردکننده باید مجموعه‌ای از مجوزها را از نهادهای مختلف دریافت کند؛ وزارت صمت، سازمان استاندارد، وزارت بهداشت، سازمان دامپزشکی، محیط زیست و حتی سازمان انرژی اتمی در برخی موارد. همه این دستگاه‌ها هریک روند خاص خود را دارند و در غیاب هماهنگی نهادی، فرآیند ثبت سفارش به‌شدت زمان‌بر می‌شود.

تجار در گفتگو با رسانه‌ها و در شبکه‌های اجتماعی این روند را «سنگ‌اندازی نهادی» می‌دانند و معتقدند که هر سازمان به جای تسهیل تجارت بیشتر به دنبال کنترل و اعمال نفوذ است.

مصوبات سختگیرانه

از دیگر مواردی که روند ثبت سفارش را سنگین‌تر کرده، الزام به اخذ ثبت سفارش و ثبت آماری قبل از تخلیه کالا در اماکن گمرکی و مناطق آزاد است. این مصوبه با هدف جلوگیری از واردات بی‌ضابطه تدوین شده است؛ اما در عمل موجب شده که کالاها بدون طی مراحل ثبت، حتی امکان ورود به انبارهای گمرکی را نداشته باشند. از نگاه فعالان اقتصادی، چنین مقرراتی به جای تسریع، عملاً بر شدت بوروکراسی افزوده است.

چرا دولت موانع را برنمی‌دارد؟

پرسش اساسی این است که چرا با وجود حجم گلایه‌ها، دولت نتوانسته موانع طولانی‌بودن ثبت سفارش را برطرف کند؟

کارشناسان چند دلیل مطرح می‌کنند؛ دلیل نخست «نگاه امنیتی و کنترلی» است؛ دولت بیشتر به دنبال کنترل واردات و خروج ارز است و به همین دلیل ترجیح می‌دهد قفل‌های سختگیرانه حفظ شود. دلیل دوم «منافع نهادی» است؛ هر دستگاه در فرآیند ثبت سفارش نقش و اختیاری دارد که حذف یا کاهش آن با مقاومت روبه‌روست. دلیل سوم «کمبود زیرساخت فنی» است به طوری که سامانه جامع تجارت هنوز به یک پنجره واحد واقعی تبدیل نشده و مشکلات نرم‌افزاری فراوان دارد و دلیل چهارم نیز «بی‌ثباتی اقتصادی» است؛ تغییرات ناگهانی در سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای دولت مانع از شکل‌گیری ثبات در فرآیند ثبت سفارش شده است.

اقدامات انجام‌شده؛ کافی نبوده است

اما دولت در سال‌های اخیر اقداماتی برای کاهش مشکلات ثبت سفارش انجام داده است؛ ازجمله اتصال تدریجی سامانه‌ها، تشکیل کارگروه مشترک با اتاق‌های بازرگانی و تلاش برای حل مشکلات فنی سامانه جامع تجارت. با این وجود، تجربه نشان داده که این اقدامات پراکنده و مقطعی بوده و نتوانسته مشکل اصلی یعنی طولانی بودن فرآیند را حل کند. به باور بسیاری از کارشناسان، تا زمانی که اصلاحات ساختاری در رویکرد دولت به تجارت خارجی انجام نشود، این تغییرات جزئی اثر چندانی نخواهند داشت.

راهکار چیست؟

فعالان اقتصادی و کارشناسان و تجار راهکارهای مختلفی را برای رفع این مشکل عنوان کرده‌اند که از جمله این راهکارها می توان به؛ «حرکت از کنترل‌های پیشین به سمت کنترل پسین با استفاده از تضامین معتبر»، «تعیین ضرب‌الاجل برای دستگاه‌های مجوزدهنده و پذیرش «پاسخ مثبت ضمنی» در صورت عدم اعلام نظر در مهلت مقرر»، «ایجاد ثبات نسبی در مقررات و پرهیز از تغییرات ناگهانی تعرفه‌ای و ارزی»، «تکمیل واقعی پنجره واحد و یکپارچه‌سازی سامانه جامع تجارت با سامانه‌های بانکی و گمرکی» و «بازنگری در نقش بانک مرکزی در فرآیند ثبت سفارش و تفکیک وظایف ارزی از مراحل ابتدایی ثبت» اشاره کرد.

در نهایت اینکه ثبت سفارش در ایران به جای اینکه مسیری روشن و شفاف برای مدیریت واردات باشد، به مانعی پیچیده و زمان‌بر برای بازرگانان بدل شده است. مشکلات سامانه‌ای، گره‌های ارزی، تعدد مجوزها و مقررات متغیر، این فرآیند را از مسیر اصلی خود دور کرده‌اند.

اگر دولت به‌دنبال بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش اعتماد فعالان اقتصادی است، ناگزیر باید از نگاه صرفاً کنترلی فاصله بگیرد و با اصلاحات نهادی و فنی، ثبت سفارش را به فرآیندی سریع، شفاف و پیش‌بینی‌پذیر تبدیل کند.

جایزه بزرگ!!!
هانی تحریر
شعبه۱: نوبنیاد۳، مرکز خرید آرین، طبقه اول
شعبه۲: صدف، مرکز خرید بساک، طبقه همکف
۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹ ۰۷۶ ۴۴۴۵۴۹۶۳
Hany_tahrir
هانی تحریر